



المنار؛ یادگار سید عیسی برای جبهه مقاومت

● مستند

طی جنگ ۳۳ روزه لبنان شبکه المنار تبدیل به صدای رسای مقاومت شده بود و اینکه دفترش بارها توسط رژیم صهیونیستی بمباران شد با این حال یک بار هم برنامه‌های این شبکه قطع نشد. طی این سال‌ها پیشرفت تکنیکی این شبکه به قدری مشهود است که در لبنان کاملاً یکی از شبکه‌های اصلی حساب می‌شود. تأسیس این شبکه به عنوان صدای رسای جبهه مقاومت از جمله یادگارهای سید عیسی در لبنان بوده است.

ابراهیم فرحات، مدیرکل شبکه المنار است که درباره تأسیس آن می‌گوید: «شبکه المنار به همت و فکر سید عیسی و دیگر دوستانشان تأسیس شد. آن موقع هنوز برخی شک داشتند که چنین شبکه‌ای تأسیس شود یا نه و آن را زود هنگام می‌دانستند اما افرادی مانند سید عیسی و برخی دیگر ابتکار عمل را در حد ریسک کردن دوست داشتند و برای تأسیس شبکه، تمام امکانات مادی و انسانی را فراهم کردند. بنابراین المنار در دهه ۹۰ راه‌اندازی شد و اولین مسئولان المنار نیز دوستان سید عیسی مانند حاج «محمد برجاولی»، «شیخ «حسن الحماده» و شیخ «حسن عزالدین» بودند. در ابتدای کار ایستگاه زمینی بود و محدوده پخش آن نیز محدود به بیروت بود، سپس تمام لبنان را پوشش داد و در نهایت در سال ۲۰۰۰ هم‌زمان با روز پیروزی مقاومت و

آزادسازی جنوب لبنان به ایستگاه ماهواره‌ای پیوست. به لحاظ امکانات در حد بسیار ضعیفی بود. مکان کوچک بود حتی فرستنده شبکه روی گلدسته مسجد «رسول» گذاشته شده بود. نقاط پوشش دهی شبکه نیز محدود بود و سطح حرفه‌ای پایینی داشت اما همان حد را هم یک موفقیت به شمار می‌آوردیم و امروزه با اینکه ۲۵ سال از تأسیس شبکه المنار می‌گذرد ولی هنوز اصول و استراتژی‌هایی که سید عیسی برای شبکه طراحی کرده بود تغییر نکرده و ثابت است.»

سید عیسی برای خود وظیفه تأسیس قائل بود. درباره المنار هم این اتفاق افتاد که عبدالله قصیر از مدیران سابق این شبکه درباره‌اش این‌طور می‌گوید: «ویژگی مثبت دیگر وی این بود که پروژه‌هایی را که احداث و تأسیس می‌کرد، پس از تکمیل شدن به مراکز و

ارگان‌های ذی‌ربط محول می‌کرد. بسیاری نمی‌دانند شبکه المنار از اقدامات سید عیسی است؛ آن زمان چند نفر از برادران حزب الله مانند حاج علی حبیب‌القرقوصی و حاج محمد البرجاوی، حاج حسن الحمیدی و بقیه دوستان با سید عیسی جلسه ترتیب دادند و به نتیجه رسیدند که شبکه‌ای برای حزب الله تأسیس شود.» اما هزینه اولیه تأسیس یک شبکه تلویزیونی در دهه ۶۰ چقدر بوده است و چه امکاناتی نیاز داشته است؟ قصیر این رقم را ۲۵۰ هزار دلار ذکر می‌کند: «سید عیسی ۲۵۰ هزار دلار فراهم کرد و فردی را برای خریداری تجهیزات بوم تصویری به دبی فرستاد و در مکان کمیته امداد که زیر نظر وی بود پخش شبکه المنار را آغاز کرد در حالی که حزب الله از این امر آگاهی نداشت. پس از شش ماه در سالگرد رحلت امام خمینی، پخش رسمی المنار در جنوب لبنان آغاز شد. فرستنده شبکه در مناره‌های مسجد رسول اعظم گذاشته شده بود چون فرستنده‌ای وجود نداشت کار صلواتی و در راه خدا بود. شبکه حدود شش ماه سه تا چهار ساعت برنامه پخش می‌کرد که فیلم‌هایی از ایران سخنرانی‌های سیدعباس موسوی و سیدرابعب حرب بود. بعد از مدتی تصمیم گرفته شد المنار وارد سیاست شود و اخبار از این شبکه پخش شود. دانشکده می‌خواست این عمل زیر نظر

عبدالله قصیر در ادامه ذکر می‌کند که طرح حزب الله برای تأسیس یک شبکه تلویزیونی سه سال زمان می‌خواست اما سید عیسی این کار را ظرف یکسال به سرانجام رسانده است: «آن موقع من مسئول رسانه و تبلیغات بودم که شورای مرکزی حزب الله از من خواست موضوع شبکه تلویزیونی را بررسی کنم. حدود سال ۱۹۸۷ یا ۱۹۸۸ طی بررسی و پژوهشی که ارائه کردم فهمیدم حدود سه سال برای پخش برنامه‌ها از شبکه زمان می‌برد چون آن زمان حزب الله با مشکل بودجه و امکانات و مکان و حتی نیروی انسانی مواجه بود. با محاسبات ما باید صد نفر را برای تحصیل رشته‌های مختلف رسانه و تلویزیون به دانشکده رسانه می‌فرستادیم تا سه سال



در شرایطی که دولت لبنان خیلی هم‌سو با جریانات حزب الله نبود وی تصمیم به تأسیس می‌گیرد و البته از رهبر انقلاب هم اجازه آن را کسب می‌کند: «خدمت

رهبر رفتم و ماجرای پخش مراسم تشییع امام از شبکه ان‌بی‌سی را گفتم. گفتم می‌خواهم شبکه تلویزیونی بزنم البته من نیامدم از شما پول بگیرم فقط آمدم از شما اجازه بگیرم و اینکه کار خطرناک و خطیر موفق بشویم. شاید در لبنان پنجاه کانال باشد. کانال تبلیغاتی و تجاری و... ولی شیعه هیچی ندارد. آقا فرمود، سید دست شما دست پربرکتی است. دست به هر چه بزنی با برکت رشد می‌کند من شما را دعا می‌کنم. انسان موفق هستی کار تلویزیون را شروع کن.»

خرید تجهیزات قدم بعدی بود و در ادامه استقرار آن در منطقه مسئله اساسی که وی این‌گونه شرح می‌دهد: «تهیه فرستنده و تجهیزات تلویزیون کار بسیار سختی بود نمی‌دانستیم چه چیزی می‌خواهیم و آن را از کجا باید تهیه کنیم، تصمیم داشتیم در سالگرد وفات امام، شبکه افتتاح شود و تمام فیلم‌های مراسم را هم آماده کرده بودیم. انواع فیلم‌ها و کارتونهایی را که باید در شبکه پخش می‌کردیم جمع‌آوری کردیم. یک سال فرصت داشتیم در این وقت این اکیپ هم تجهیزات تلویزیون را تهیه کردند و هم دوره دیدند. فقط فرستنده که آن را هم از آمریکا خریدیم. فرستنده را به اسم یکی از امرای شارجه خریدیم. دستگاه از آمریکا به انگلیس و از آنجا به شارجه رفت اما گفتند ما چنین سفارشی ندادیم. مسئول خرید ما ارتباطات خیلی قوی‌ای داشت و هر طور بود آنها را راضی کرد تا آن راه بیروت بفرستند و مصادره‌اش نکنند. در لبنان هم جاده فرودگاه را محاصره کردیم و کل منطقه را پر کردیم از جوانان مسلح که اگر ارتش لبنان تصمیم به مصادره آن گرفت مانع شویم در حقیقت آن را از فرودگاه دزدیدیم

و گرنه به دست دولت می‌افتاد. درست است که آن موقع دولت حاکم مطلق نبود و سوری‌ها حاکم بودند اما نفوذ خودشان را داشتند. یک کامیون به فرودگاه رفت و به‌عنوان اینکه محموله متعلق به سفارت ایران است هر طوری بود با کمک شصت هفتاد نفر نیروی مسلح آن را خارج کردیم، دم خیلی افراد را دیدیم خلاصه این را به عنوان یک دستگاه کامپیوتر خیلی بزرگ وارد لبنان کردیم و بدون اینکه متوجه شوند این واقعاً کامپیوتر است یا نه آن را به سفارت منتقل کردیم. بعد از آن هم بزرگترین جرقه‌گیر لبنان را تهیه کردیم و جلوی مسجد رسول اکرم بردیم. اتفاق ضد بمبی را آماده کردیم و دستگاه را درون آن گذاشتیم دکل آن را هم روی مناره مسجد رسول اعظم قرار دادیم، کار را با شصت نفر کادر شروع کردیم. الحمدلله رب العالمین موفق شدیم در اولین سالگرد فوت امام در حضور بیش از صد، صد و پنجاه هزار نفر جمعیت شروع به کار شبکه را اعلام کنیم.»

مسئله نهایی اعلام تأسیس این شبکه است که نه سفارت ایران خبر داشت نه حزب الله اما بعد از تأسیس آن سیدحسن نصرالله گفت اگر المنار نبود پیروزی به دست نمی‌آمد: «برای سالگرد امام اجتماع عظیمی در بیروت تشکیل شد. بیش از صد، صد و پنجاه هزار نفر آدم از همه جای لبنان آمده بودند. خانم زهرا مرضوی، دختر امام نماینده رئیس جمهور لبنان وزرا و وکلای پارلمان هم در این مراسم حاضر بود. حاج‌عبدالحلیم مجری جلسه بود. یک ورقه کوچک به او دادم و گفتم این را الآن اعلام کن گفت سفارت خبر دارد؟ گفتم اگر من مسئول تو هستم می‌گویم باید این کار را انجام دهی. ایشان مجبور شد و اعلام کرد امشب ساعت هشت تلویزیون المنار شروع به کار خواهد کرد و این هدیه‌ای است به امت حزب الله. زمین و زمان تکبیر گفتند همه مردم خوشحال شدند. اما چون این قضیه را مخفیانه انجام داده بودیم حزب الله و سایر احزاب سیاسی ناراحت شدند و حتی دختر امام، حاضر نشد برای افتتاح روبرو را قیچی کند. سفیر ما در لبنان قبول نکرد گفت این کار سیاسی است و شما با ما هماهنگ نکردی. آقای اختری هم که سفیر ایران در سوریه بود با این قضیه مخالفت کرد. گفت تو می‌خواهی حزب الله را مجبور بکنی به اینکه برایش تلویزیون درست کنی. خلاصه هیچ کس جز خداوند پشتیبان ما نبود در نهایت خودم رفتم دو آیه قرآن خواندم و اعلام کردم این تلویزیون هدیه به امت حزب الله است و او در مقابل کار انجام شده قرار گرفت.»

بعد فارغ‌التحصیل و به‌کارگیری گرفته شوند یعنی پروژه از سال ۱۹۸۹ شروع و تا سال ۱۹۹۲ طول می‌کشید. در همین اثنا سید عیسی پروژه احداث شبکه را شروع کرده بود. حزب الله نیز در عمل انجام شده قرار گرفت و باید مدیریت شبکه را به عهده می‌گرفت که کار دشواری بود یعنی حزب الله برای احداث شبکه برنامه‌ریزی سه ساله کرده بود ولی بعد از یک‌سال سید عیسی پخش برنامه از شبکه المنار را آغاز کرد.»

اما ماجرای تأسیس این شبکه از زبان خود سید عیسی جذابیت‌های خودش را دارد. در شرایطی که دولت لبنان خیلی هم‌سو با جریانات حزب الله نبود وی تصمیم به تأسیس می‌گیرد و البته از رهبر انقلاب هم اجازه آن را کسب می‌کند: «خدمت رهبر رفتم و ماجرای پخش مراسم تشییع امام از شبکه ان‌بی‌سی را گفتم. گفتم می‌خواهم شبکه تلویزیونی بزنم البته من نیامدم از شما پول بگیرم فقط آمدم از شما اجازه بگیرم و اینکه کار خطرناک و خطیر موفق بشویم. شاید در لبنان پنجاه کانال باشد. کانال تبلیغاتی و تجاری و... ولی شیعه هیچی ندارد. آقا فرمود، سید دست شما دست پربرکتی است. دست به هر چه بزنی با برکت رشد می‌کند من شما را دعا می‌کنم. انسان موفق هستی کار تلویزیون را شروع کن.»

خرید تجهیزات قدم بعدی بود و در ادامه استقرار آن در منطقه مسئله اساسی که وی این‌گونه شرح می‌دهد: «تهیه فرستنده و تجهیزات تلویزیون کار بسیار سختی بود نمی‌دانستیم چه چیزی می‌خواهیم و آن را از کجا باید تهیه کنیم، تصمیم داشتیم در سالگرد وفات امام، شبکه افتتاح شود و تمام فیلم‌های مراسم را هم آماده کرده بودیم. انواع فیلم‌ها و کارتونهایی را که باید در شبکه پخش می‌کردیم جمع‌آوری کردیم. یک سال فرصت داشتیم در این وقت این اکیپ هم تجهیزات تلویزیون را تهیه کردند و هم دوره دیدند. فقط فرستنده که آن را هم از آمریکا خریدیم. فرستنده را به اسم یکی از امرای شارجه خریدیم. دستگاه از آمریکا به انگلیس و از آنجا به شارجه رفت اما گفتند ما چنین سفارشی ندادیم. مسئول خرید ما ارتباطات خیلی قوی‌ای داشت و هر طور بود آنها را راضی کرد تا آن راه بیروت بفرستند و مصادره‌اش نکنند. در لبنان هم جاده فرودگاه را محاصره کردیم و کل منطقه را پر کردیم از جوانان مسلح که اگر ارتش لبنان تصمیم به مصادره آن گرفت مانع شویم در حقیقت آن را از فرودگاه دزدیدیم

که بعداً پول جذب می‌کنند چه از لحاظ حقوق شرعی چه صدقات. آقای طباطبایی اگر برنامه‌ای را ضروری بدانند، پول باشد یا نباشد آن را با کوچکترین امکانات شروع می‌کند. یکی از آقایان این تعبیر را به کار می‌برد که آقای طباطبایی دست سبز دارد و هر کجا که قدم می‌گذاشت، پیر ثمر می‌شد.» این چهره برجسته فرهنگی حزب الله در ادامه افزود: «آقای طباطبایی واقعاً شخصیتی بود که قبل از انقلاب یعنی زمانی که روحانیت لبنان گرایش تبلیغی داشت و به کار بنیادی توجه نداشت شاید هم مصلحت نمی‌دیدند تا حرکت امام شروع شود، در این مسیر قدم گذاشتند. با شروع این نهضت، ما در لبنان شخصیت‌هایی نداشتیم که با جهت‌گیری آنها توجه مردم به سمت امام بیاید.»

این مقام فرهنگی حزب الله در ادامه این گفت‌وگو درباره ابعاد شخصیت سید عیسی طباطبایی گفت: «ایشان فردی اهل تقواست

شیخ «نزار سعید» در حاشیه هشتمین اجلاس «مجاهدان در غربت» در تشریح ایجاد ناشناخته شخصیت و اقدامات «سید عیسی طباطبایی» با اشاره به موارد مکرر تقدیر «سید حسن نصرالله» از وی به «ایران» گفت: «سید حسن از ایشان با عنوان سرباز گمنام یاد می‌کرد و خیلی از مردم لبنان بجز کسانی که ارتباط مستقیم داشتند، اطلاعاتی درباره ایشان نداشتند. آقای طباطبایی به رسانه‌ها اجازه نمی‌داد که از او اطلاعاتی منتشر کنند. بلکه بر عکس هر آنچه انجام می‌دادند را تحت عنوان حزب الله و ایران و انقلاب و امام و رهبری انجام می‌داد.» شیخ نزار سعید اضافه کرد: «از ویژگی‌های آقای طباطبایی این است که برخلاف افرادی که می‌خواهند یک پروژه را اجرایی کنند مثلاً مسجدی، مدرسه بسازند و معمولاً به سمت مسائل مالی و امکانات می‌روند، حداقل باید نصف پول را در اختیار داشته باشند اما عملکرد ایشان اینطور است



سرباز گمنام؛ تعبیر سید حسن نصرالله درباره سید عیسی طباطبایی

مدیر مراکز فرهنگی امام خمینی در بیروت با اشاره به اینکه نماینده مقام معظم رهبری در لبنان، با عزم راسخ برنامه‌ها و اهداف عمرانی را پیش می‌برد تأکید کرد که شخصیت وی از این جهت برای عموم مردم ناشناخته است که آقای طباطبایی تمامی اقدامات را در سایه تقوا، به دور از جنجال رسانه‌ای و به تعبیر دبیرکل حزب الله لبنان مانند سرباز گمنام انجام می‌داد.

زمانی که به محله‌های فقیرنشین می‌رفتند و زمانی که با شیعیانی که وضعیت معیشتی ضعیفی داشتند ملاقات می‌کردند، گریه می‌کردند و از غم آنها شب‌ها نمی‌خوابیدند.» وی در اشاره کوتاهی به نقش امام موسی صدر هم گفت: «امام موسی صدر در لبنان در جلسات خصوصی درباره راه و تفکر و نهج امام صحبت می‌کردند اما در عموم، اینطور نبود. البته شاید شرایط لبنان اینطور اقتضا می‌کرد اما زمانی که آقای طباطبایی و احمد خمینی به لبنان آمدند، مردم با فکر امام آشنا شدند در واقع ارتباط امام موسی صدر با انقلاب و راه امام و شدت بالای بصیرت او، هر چند در زمانی که انقلاب اسلامی پیروز نشده بود، زمینه‌ساز ربابش وی شد. چرا که در آن زمان سران اعراب با شاه روابط خوبی داشتند و خادم شاه بودند. به همین دلیل آنها علیه امام موسی صدر موضع‌گیری می‌کردند.»

وتلاش کرد که یک نمونه انقلابی به تمام معنا را ارائه دهد. به عنوان نماینده امام، فقط در این سمت با عنوان یک پست حضور نداشت. او زمانی که به لبنان رفت، هنوز این شکایات نظامی در انقلاب شکل نگرفته بود و کار به صورت بسیجی بود و او در تمام این سال‌ها تلاش کرد، نمونه‌ای به مردم ارائه دهد مانند شخصیت امام، شخصیت مقام معظم رهبری که امکانات را برای خود و فرزندانشان نمی‌خواهد بلکه برای مستضعفین و فقرا هزینه می‌کند. تقوای آقای طباطبایی، عامل اصلی مسلک آقای طباطبایی است. او فرد کم‌خواهی است و در مواقعی که با ایشان معاشرت کنید می‌بینید که پس از فراغت از صحبت‌های کاری مشغول ذکر خدا هستند. بخش قابل توجهی از قرآن وادعیه و زیارات مهم در مفاتیح الجنان را حفظ هستند. ایشان یک شخصیت بسیار دلسوز هستند که در عین اینکه زندگی عادی دارند،